

اثری از مرحوم عباس اقبال

در جزء اوراق و نوشته‌هایی که از مرحوم عباس اقبال استاد فقید دانشکده ادبیات پس از مرگ آن مرحوم به تصرف کتابخانه مرکزی دانشگاه درآمده چهار مقاله نیز هست که در اینجا طبع آنها را مفید میدانم، فهرست دیگر آثار چاپ نشده فقیه مذکور را در نشریه مستقل کتابخانه مرکزی که بزودی انتشار خواهد یافت به تفصیل بیان کرده‌ام، مقالاتی که درین شماره طبع می‌شود عبارت است از یک شعر از دقیقی و ابو جعفر محمد الصغانی، دو مقاله دیگر در شماره آینده بچاپ خواهد رسید.

البرج افکار

یک قطعه شعر از دقیقی

در تاریخ بیهقی این قطعه از دقیقی مذکور است:

دریغا میر بونصرا دریغا
که بس شادی ندیدی از جوانی
و لیکن رادمردان جهاندار
چو گل باشند کوه زندگانی (۱)
ذکر این امیر بونصر که دقیقی قطعه فوق را در مرثیه او گفته در هیچیک از کتب تاریخی و ادبی مصرح نیست و چون دقیقی مداح امرای چغانی و سامانی بوده قاعده این امیر بونصر نیز بایستی یکی از امرای این دو سلسله باشد. از سامانیان، دقیقی معاصر بوده است با امیر سدید ابوصالح منصور بن نوح (۳۵۰ - ۳۶۶) و امیر رضی ابوالقاسم نوح بن منصور (۳۶۶ - ۳۷۸)؛ و گنیه هیچیک از این دو امیر چنانکه دیده میشود ابونصر نیست. از امرای سامانی فقط نصر بن احمد (۳۰۱ - ۳۳۱) ابونصر کینه داشته که ممدوح رودکی است و زمانش مدت‌ها بر زمان دقیقی سابق است. از چغانیان کسانی را که دقیقی مدح گفته و ذکر آن در مؤلفات قدما هست یکی امیر ابوسعید

مظفرست (۱) یکی هم امیر ابوالمظفر فخرالدوله احمد بن محمد که منجیک و فرخی نیز او را مدح گفته‌اند (۲) و قصه او با فرخی مشهورست. بعلاوه فرخی امیر ابوالحسن آغاچی بخاری از امرای سامانی را نیز بشعر میستوده (۳). مقصود از نام بردن ممدوحین مشهور دقتی اینست که دانسته شود که در میان ایشان امیری که کنیه ابونصر داشته نیست.

در میان امرا و شاهزادگان خاندان چغانیان يك نفر امیر ابونصر نامی هست که اتفاقاً هیچیک از مورخین نیز از او ذکر نکرده‌اند، فقط در کتاب عیون اخبار الرضا تألیف شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه یعنی شیخ صدوق قمی (وفاتش در ۳۸۱) هست که کتاب خود را بنام صاحب بن عباد اندکی بعد از سال ۳۵۲ تألیف کرده و از آن معلوم میشود که امیر ابونصر مزبور پسر امیر ابوعلی احمد بن محمد بن مظفر بن محتاج چغانی سپهسالار و حکمران کل خراسان است که در سال ۳۴۴ در وبای شهر ری فوت کرده. نام دوسر از ابوعلی چغانی در کتب مذکور است: یکی ابوالمظفر عبدالله که در سال ۳۳۷ از طرف پدر بگروگان به بخارا پیش امیر نوح بن نصر فرستاده شد و در آن شهر بود تا در ۳۴۰ از اسب بزیر افتاده مرد (۴)، دیگری ابو منصور که در ۳۴۰ که ابوعلی بحکومت خراسان منصوب شد در چغانیان نایب پدر در حکومت آن ولایت گردید (۵). امیر ابونصر پسر دیگر ابوعلی که شیخ صدوق او را يك دفعه امیر نصر بن ابی‌علی الصغانی صاحب الجیش و دفعه دیگر امیر ابوالنصر الصغانی نامیده، چنانکه از عیون اخبار الرضا برمی آید ابتدا در خراسان بوده (ظاهراً در عهد حکومت پدرش) و بعد چغانیان رفته و امارت آن ناحیه را داشته است و شیخ صدوق حکایت مفصلی از یکی از ندمای او نقل میکنند که چون ربطی بموضوع مانحن فیه ندارد از ذکر آن صرف نظر میکنیم (۶)،

۱- حواشی حدائق السجری ۱۰۵-۱۰۶

۲- ایضاً » ص ۱۲۸-۱۲۹

۳- لباب الالباب و حواشی چهارمقاله ص ۱۲۹

۴- زین الاخبار ص ۳۷-۳۸ و حواشی چهارمقاله ص ۱۶۵

۵- ایضاً » » »

۶- رجوع شود بآن کتاب ص ۴۴۲-۴۴۴

این امیر ابونصر ظاهر اُبعد از فوت پدر خود ابوعلی که در ۳۴۴ با مارت چغانیان رسیده و قبل از امیر ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی که پیش از ۳۸۱ مسلماً امیر چغانیان بوده و در این تاریخ رقیب خود امیر ابوالحسن طاهر بن فضل چغانی را کشته در آنجا امارت میکرده است. کتاب عیون اخبار الرضا چنانکه از مطالعه آن برمی آید اندکی بعد از سال ۳۵۲ تألیف شده، پس معلوم میشود که امیر ابونصر چغانی قبل از سال ۳۵۲ میزیسته و دقیقی نیز به قرائنی که اینجامحل ذکر آنها نیست در حدود سال ۳۶۶ و ۳۶۷ فوت کرده است، پس اشکالی برای معاصر بودن این امیر ابونصر بن ابی علی چغانی با آن شاعر نمی ماند و بهمین نظر با احتمال قوی مرئیة فوق را دقیقی در مرگ آن شاهزاده چغانی سروده است.

ابو جعفر

محمد بن حسین الخراسانی الصفانی الخازن

از بزرگترین علمای نجوم و ریاضی نیمه اول قرن چهارم هجری و صاحب تألیفات چند در رشته های مختلف این علوم، شرح حال او راهیچیک از مورخین و مؤلفین قدیمی چنانکه از آن مطالبی کافی بدست آید ذکر نکرده و اکثر بهمان تعداد مؤلفات یا نقل اقوالی از او از روی کتابهایش اکتفا نموده اند. ذکر او و نقل اقوال و اسامی تألیفاتش در منابع ذیل جسته جسته بدست می آید: کتاب الفهرست ابن الندیم (صفحات ۱۳۸، ۲۵۱ و ۲۶۶ و ۲۸۲) و آثار الباقیه ابوریحان بیرونی (صفحات ۲۰۲ و ۲۵۸ و ۳۲۶) و معجم الادباء یا قوت (ص ۱۴۲-۱۴۳ ج ۱) و رساله ای از عمر خیام در حل یکی از مسائل جبری (نسخه خطی نگارنده)، و الکامل فی التاریخ ابن الاثیر (در وقایع سال ۳۴۲) و تاریخ الحکماء قفطی (ص ۳۹۶) و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۷۵ و کتاب شکل-القطاع تألیف خواجه نصیرالدین طوسی (ص ۱۲۳ و ۱۱۵ از چاپ قسطنطنیه) و مقدمه ابن خلدون و کتاب کشف الظنون حاجی خلیفه تحت شماره های ۱۰۷۰ و ۱۱۲۲ و ۳۹۹۶ و ۷۱۴۰ و ۹۸۸۷ (از چاپ فرنگ).

خلاصه مطالبی که در این منابع راجع بابو جعفر خازن بدست می آید آنکه او در دستگاه ولایة خراسان عنوان و شأنی داشته (شاید بتوان از روی نسبت خازنی گفت

ابو جعفر محمد بن حسین الخراسانی الصغافی النخارنی

از بزرگترین علما و محققان ریاضی نیمه اول قرن چهارم هجری و صاحب تألیفات چند در رشته علم مکتب اهل علم شرح هر ادراکیه از مؤلفین و مؤلفین قدیم چنانکه از آن مطالبی کافی بدست آید ذکر کرده و اثر علمیان تعداد مؤلفات یا نقل آوازه از دور آن بهائیه الفنا منصفه اند. ذکر او در نقل آوازه و اسامی تألیفات

در منبع ذمیر حجتة بدست می آید. کتاب الفهرست ابن الندیم صفحات ~~۲۵۱ و ۲۶۶~~ ^{۲۱۳۸}

~~۲۸۲ و~~ آثار الماتیة ابریکان بیرونی صفحات ^{۲۵۸} ۲۰۲ و ۲۲۶ و معجم الادباء باقوت

ص ۱۴۲ - ۱۴۴ ج ۱ و رساله از عمر ختام در عقاید از مسأله جبر (نسخه خطی نگارنده) و الکامل فی التاریخ الحکماء قفطی (ص ۲۹۶)

ابن الاثیر (در تاریخ ص ۲۴۲) شرح پنج البدعة ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۷۵ و کتاب شکل القطاع

تألیف خواهر نصیر الدین طوسی (ص ۱۲۴ و ۱۱۵ از حایة قسطنطنیة) و مقدمه ابن فلدون و کتاب

کشف الظنون صاحب صلیفة کتب شماره ۱۰۷۰ و ۱۱۲۲ و ۲۹۹۶ و ۷۱۴۰ و ۹۸۸۷ (از چاپ فرنگ)

فهرست مطالبی که در این منبع جامع باب جعفر خازن بدست می آید آمده او در دستگاه ولده فرامان عنوان

و سانی دانسته (شاید بتوان از دور نسبت خازن گفت که نسبت او کن بداریج از اسان بصرا)

نمونه خط مرحوم عباس اقبال

که سمت او کتابداری یکی از ایشان بوده) چه حکیم بزرگوار ابوزید احمد بن سهیل بلخی (متوفی سال ۳۲۲) صور کتاب السماء و العالم ارسطورا برای ابن ابوجعفر خازن شرح کرده و باو تقدیم داشته بوده است (الفهرست ص ۱۳۸ و ۲۵۰-۲۵۱ و قفطی ص ۴۰ و معجم الادباء ۱: ۱۴۲-۱۴۳). در رسال ۳۴۲ در نزاع بین رکن الدوله دیلمی و ابوعلی بن محتاج چغانی سپهسالار اردوی نوح بن نصر سامانی، ابوجعفر خازن از طرف امیر ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی واسطه صلح شد و کار آن نزاع را بصلح انجام داد (ابن - الاثیر ۸: ۱۹۹ و قایع سال ۳۴۲). وفات او را حاجی خلیفه بسال ۳۴۶ می نویسد. اسم او و اسم پدرش در هیچ کتابی مذکور نیست جز در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (ج ۲ ص: ۷۵) و در آنجاست که تمام نام و نسب او یعنی ابوجعفر محمد بن الحسین الصفانی المعروف بالخازن مذکور شده.

عمده مؤلفات او بشرح ذیل است:

- ۱- زیج الصفائح (الفهرست ص ۲۸۲ و آثار الباقیه ص ۳۲۶ و ابن ابی الحدید ۲: ۷۵ و تاریخ الحکماء قفطی ص ۳۹۶ و ابن الاثیر در حواش سنه ۳۴۲ و کتاب کشف الظنون).
 - ۲- المدخل الكبير الى علم النجوم (آثار الباقیه ص ۲۰۲ و کشف الظنون)
 - ۳- المسائل العددية (الفهرست ص ۲۸۲ و تاریخ الحکماء قفطی ص ۳۹۶)
 - ۴- شرح هندسه اقلیدس (الفهرست ص ۲۶۶)
 - ۵- کتاب العالمین (ابن ابی الحدید ۲: ۷۵)
 - ۶- رساله ای در حل یکی از مسائل هندسی (رساله خطی خیام)
 - ۷- تفسیر المجسطی (کتاب شکل القطاع ص ۱۱۵ و ۱۲۳)
- این ابوجعفر محمد بن الحسین الخازن را نباید با عبدالرحمن خازنی (یا خازن) صاحب زیج سنجری معروف بزین المعتمر (تتمه صوان الحکمه ص ۱۶۱-۱۶۲ و حاجی خلیفه در عنوان الزین السنجری) از ریاضیون معاصر عمر خیام که در نیمه اول قرن ششم میزیسته و رساله ای بنام میزان الحکمه و غیرها داشته اشتباه کرد.
- ابوریحان در تصحیح اغلاطی که ابوجعفر خازن در زیج الصفائح مرتکب شده رساله ای مخصوص تألیف کرده است. (رجوع کنید بکتاب تذکره النوادر، ص ۱۵۶).